

تکفیر و تشیع

سپری اجمالی در رئوس دیدگاههای شیعه اثنی عشری
در باره پدیده نامبارک تکفیر

محسن کدیور



محسن کدیور

۱۲ آبان ۱۳۹۹

این مقاله شامل بحثی مقدماتی، هفت نکته به عنوان بدنه اصلی بحث، خاتمه و جمع بندی است.

بحث مقدماتی

هفته گذشته بعد از اظهار نظر جنجالی اخیر آقای سیدکمال حیدری (متولد ۱۳۳۵/۱۹۵۶ کربلا) عالم شیعی ساکن قم در مصاحبه با شبکه اینترنتی العراقیه، که شیعیان را هم همانند اهل سنت تکفیری معرفی کرد، موضوع تکفیر در تشیع مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت. ترجمه عبارت ایشان چنین است: «من این را به ضرس قاطع می گویم و به آنچه می گویم قطع دارم: هیچ عالم شیعی اثنی عشری یافت نمی شود مگر اینکه به کفر باطنی کلیه مسلمانان [غیر شیعه] حکم کرده باشد، البته علمای شیعه در اینکه دیگر مسلمانان محکوم به اسلام ظاهری هستند اختلاف نظر دارند، بعضی از قبیل [شیخ یوسف بحرانی] صاحب الحدائق [الناضرة] غیرشیعه را ظاهراً هم مسلمان نمی دانند، اما مشهور شیعه از جمله سید [ابوالقاسم] خوبی غیرشیعه را ظاهراً مسلمان و باطنا کافر می دانند. اما به حسب باطن و حشر اخروی و جنبه کلامی علمای شیعه بر کفر دیگر مسلمانان اتفاق نظر دارند.» (۱)

بعد از بازتاب گسترده اظهارات فوق (از جمله استقبال رسانه های وهابی، سلفی و عربستان سعودی) (۲) شاهد واکنش سرکوب‌گرانه و قابل نکوهش گروهی از روحانیون در حوزه علمیه قم (از جمله جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در اعلامیه مورخ ۶ آبان ۱۳۹۹ به امضای محمد یزدی رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) (۳) بودیم که به جای نقد علمی که شیوه مورد توصیه اهل بیت است، حکم به «انحراف، فساد عقیدتی و گمراهی» گوینده دادند.

جامعه مدرسین قبلان نیز به همین شیوه علیه آقایان سیدکاظم شریعتمداری (اول اردیبهشت ۱۳۶۱) (۴) و شیخ یوسف صانعی (۱۲ دی ۱۳۸۸) (۵) اعلامیه داده بود، (۶) اما آقای حیدری از منظر حاکمیت نه تنها هیچ سابقه منفی سیاسی ندارد، بلکه وی در سال ۱۳۷۳ از مرجعیت آقای خامنه ای حمایت کرده (۷)، روابط حسنه ای با وی داشته، (۸) و از مدافعین نظریه ولایت سیاسی فقیه آقای خمینی محسوب می شود. (۹)

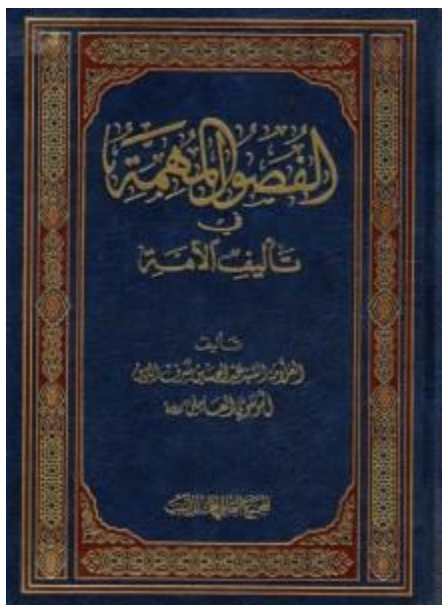


با این همه وی در سالهای اخیر از برخی دیدگاه‌های رسمی دینی حاکم و فقه سنتی فاصله گرفته است. نقطه عطف زندگی حیدری این عبارت وی در ماه رمضان ۱۳۹۲ در برنامه تبلیغاتی تلویزیون الکوثر (تلویزیون عربی زبان جمهوری اسلامی) بوده است: «من ادعا می‌کنم که بسیاری از میراث‌روائی شیعه از کعب‌الاحبارها، یهودیان، نصرانی‌ها و مجوس‌ها به ما رسیده است!» (۱۰) این ادعا در شبکه‌های عربی زبان موجی از موافق و مخالف به راه انداخت و به توقف برنامه‌های تبلیغاتی حیدری در سیمای عربی نظام جمهوری اسلامی ایران منجر شد. بعد از آن ویدئوهای قطعاتی کوتاه از موارد حساس دروس وی در فضای مجازی منتشر شده است. ایشان حرکت خود را اصلاح فهم دینی شیعی از نوع «اصلاحات لوتری» معرفی کرده (۱۱) و اساس حرکت اصلاحی را «عقلانیت قرآنی» در مقابل «عقلانیت روایی» نامیده است. به نظر وی عقلانیت روایی (وابستگی به روایات) افیونی ضدعقلانی

و سبب عقب ماندگی مسلمین (اعم از سنی و شیعه) بوده است. او شیعیان را مبتلا به بحار زدگی (متاثر از بحار الانوار مجلسی بودن) دانسته است. (۱۲)

آراء متفاوت حیدری از قبیل جواز تعبد به ادیان و مذاهب الهی و بشری (۱۳)، نظریه مشروعیت تعدد قرائت‌ها از دین (۱۴)، لزوم قرآن محوری به جای حدیث محوری (۱۵)، یا لزوم بازنگری در احکام فقهی زنان (۱۶) تازگی ندارند. اما ابراز آنها از جانب یک مجتهد، مدرس حوزه علمیه قم و یکی از مراجع جوان تقلید اهمیت دارد. هرچند اینکه ایشان به چه میزان مبادی چنین افکاری را در منظومه فکری خود توجیه و حلاجی کرده است جای سؤال دارد. آراء متفاوت آقای حیدری در حوزه تشیع از سنخ دیگری است. اگرچه ایشان افکار نواندیشان شیعی را مد نظر داشته، اما ظاهراً هنوز فرصت نکرده تا دعاوی خود را در این زمینه به رشته تحریر درآورد تا بتوان بر اساس استدلالهای مشار الیه درباره این آراء تجزیه و تحلیل فنی به عمل آورد. در این مجال بحث را صرفاً بر مصاحبه اخیر ایشان درباره تکفیر متمرکز می‌کنم.

رئوس دیدگاههای شیعه اثنی عشری درباره پدیده نامبارک تکفیر را می‌توان ذیل هفت نکته به شرح زیر معرفی کرد.

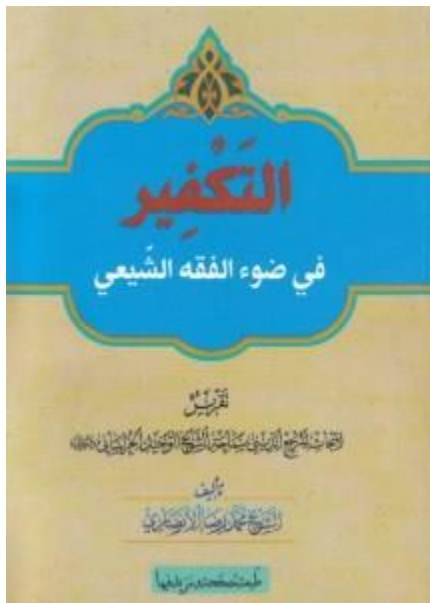


نکته اول. نقد رویکرد انحصارگرایانه در نجات اخروی

اکثر قریب به اتفاق دینداران در ادیان ابراهیمی در مسئله فلاح و سعادت اخروی انحصارگرا (۱۷) هستند، یعنی تنها به نجات اخروی دین و مذهب خود قائل هستند، و پیروان دیگر ادیان و دیگر مذاهب همدین خود را محروم از نجات اخروی می‌پندارند. به عنوان مثال مسیحیان سنتی نجات اخروی بدون باور به عیسی مسیح به مثابه پسر خدا را ممتنع می‌دانند، نظر کاتولیکها و پروتستانها ی بنیادگرا (که این واژه را برای نخستین بار استعمال کردند) درباره یکدیگر چندان مساعد نیست. نبردهای خونین مذهبی قرون شانزدهم و هفدهم میلادی بین این دو مذهب بزرگ مسیحیت شاهدهی بر این مدعاست. مسلمانان سنتی نیز ایمان به خدا و پیامبر اسلام را شرط رستگاری اخروی می‌دانند و دور از انتظار نیست که کفر به اسلام را عامل محرومیت از نجات اخروی بدانند. همچنین بسیاری از مسلمانان اهل سنت شیعیان را مسلمان نمی‌دانند! مطابق نظرسنجی موسسه معتبر پیو در سال ۲۰۱۲ در چندین کشور خاورمیانه درصد قابل توجهی از مسلمانان اهل سنت شیعیان را اصلاً مسلمان ندانسته‌اند. (۱۸) سیدعبدالحسین شرف‌الدین موسوی عاملی (۱۳۷۷-۱۳۹۰ق) فتوای فقیه قرن یازدهم شیخ نوح الحنفی را در «تکفیر و وجوب قتل شیعیان» را به عنوان نمونه نقل و تحلیل انتقادی کرده است. (۱۹) تا قبل از فتوای شیخ محمود شلتوت (۱۹۶۳-۱۸۹۳) مفتی اعظم الازهر (۲۰) مسلمانان اهل سنت شیعیان را در زمره فرق موجه اسلامی نمی‌دانستند. نظر سوء وهابیون نسبت به شیعیان نیز بی‌نیاز از توصیف است. (۲۱) بنابراین اینکه برخی شیعیان دیگر مسلمانان را در آخرت کافر معرفی کنند، تفاوتی با نظر رایج انحصارگرایان سایر ادیان و مسلمانان اهل سنت ندارد. به عبارت دیگر چنین نظری اختصاصی به برخی شیعیان ندارد تا توسط آقای حیدری برجسته شود.

از نظر راقم این سطور رویکرد انحصارگرایانه به فلاح اخروی قابل دفاع نیست. از منظر تعالیم مسلم اسلامی دو شرط فلاح اخروی «ایمان به خداوند و عمل صالح» است. در ذیل برخورداری از این دو شرط الزامی می‌توان قائل به ارجحیت پیروی از یک دین یا مذهب بود که منافعی برخورداری نسبی دیگر ادیان و مذاهب از کمال و

رستگاری نیست. به چنین رویکردی پذیرش تکثر ادیان از نوع شمول‌گرایی گفته می‌شود. (۲۲) در نقد انحصار‌گرایی دینی و دفاع از شمول‌گرایی در جاهای دیگر بحث کرده‌ام. (۲۳)



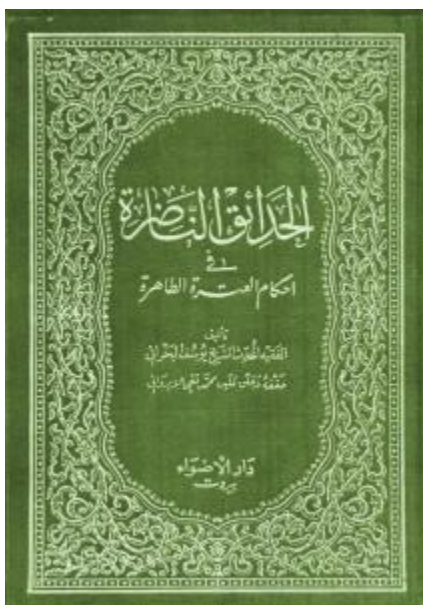
نکته دوم. تکفیر ظاهری، دنیوی، فقهی یا اصطلاحی در برابر تکفیر باطنی، اخروی یا کلامی

لازم است که دو مفهوم فوق از یکدیگر تشخیص داده شوند. تکفیر باطنی، اخروی یا کلامی به معنای باور به فلاح و رستگاری انحصاری دین یا مذهب خاصی در آخرت است. به موجب آن پیروان ادیان و مذاهب دیگر رستگار نخواهند شد و اهل نجات اخروی نخواهند بود. به عبارت دیگر، حواله این گونه تکفیر به جهان آخرت است و در این جهان نمود و نتیجه‌ای ندارد. این معنا مطلقاً متفاوت از تکفیر به مفهوم مصطلح آن است.

مراد از تکفیر اصطلاحی تکفیر دنیوی (یا نسبت ارتداد، زندقه و توهین به مقدسات) است به نحوی که به سلب حق حیات، سلب حق مالکیت و سلب کرامت فرد محکوم به کفر منجر شود. این کفر «مقابل اسلام» است که اتصاف به آن معادل خروج از اسلام می‌باشد. از این تکفیر دنیوی یا تکفیر فقهی در فقه شیعی گاهی به کفر ظاهری تعبیر می‌شود، در مقابل کفر کلامی یا کفر اخروی که «مقابل ایمان» است و با اسلام دنیوی جمع می‌

شود. از این منظر فردی که مشمول تکفیر مصطلح نیست، ظاهرا و حکما مسلمان است، اگرچه باطنا یعنی در آخرت و از منظر کلامی در محضر خداوند اسلامش پذیرفته نشود.

فارغ از اینکه همه ادیان و مذاهب انحصارگرا درباره دیگران چنین باوری دارند، سؤال این است که آیا این تعبیر قابل دفاعی است؟ یعنی ضمانت اجرای اخروی و نتیجه ملموس دنیوی دارد؟ خیر! زیرا داوری اخروی کار خداوند است. متکلمان و متألّهان ادیان و مذاهب مختلف نظر خود را بیان کرده اند، اما معترفند که داوری نهایی درباره عاقبت افراد از فلاح و عذاب با خداوند است. با توجه به اکثریت قاطع انحصارگرایان در ادیان ابراهیمی این دیدگاه کلامی به تکفیر ظاهری، دنیوی و فقهی پیروان ادیان دیگر نینجامیده، چرا که حقیقتا تلازمی بین کفر کلامی (باطنی یا اخروی) و کفر فقهی (دنیوی یا ظاهری) وجود ندارد. به علاوه فقه علم «احکام ظاهری» است نه «احکام واقعی» (مندرج در لوح محفوظ الهی) که ماورای علم ماست. اینکه فقیهانی به خود اجازه داده باشند که دم از کفر اخروی یا باطنی دیگر مسلمانان زده باشند و به تبع آن اسلام را به ظاهری و واقعی تقسیم کرده باشند امر قابل دفاعی نیست. قلمرو کار فقیه صرفا احکام ظاهری است چه بر زبان بیاورد چه نیاورد. از کفر کلامی یا باطنی نمی توان کفر فقهی یا ظاهری و تکفیر مصطلح را نتیجه گرفت. از کفر باطنی و کلامی تکفیر مصطلح (یا کفر ظاهری، دنیوی و فقهی) استنتاج کردن مغالطه سهمگینی است. (۲۴)



نکته سوم. اخباری‌های شیعه تکفیری بوده اند

نظر شیعه اثنی عشریه درباره دیگر مسلمانان به اخباری و اصولی قابل تقسیم است. شیعیان اخباری (که عمدتاً متعلق به قرون یازدهم و دوازدهم بوده اند) دیگر مسلمانان را تکفیر کرده اند. این تکفیر منحصر به مسلمانان اهل سنت نمی شود، بلکه دیگر فرقه شیعه را نیز در برمی گیرد. محمدباقر مجلسی (۱۱۱۰-۱۰۳۷) محدث معروف عصر صفوی در بحار الانوار و شیخ یوسف بحرانی (۱۱۸۶-۱۱۰۷) فقیه همان عصر در الحدائق الناضرة از جمله اخباریون هستند که اسلام را منحصر به شیعیان اثنی عشری و در نتیجه دیگر مسلمانان را کافر فقهی می دانند. مجلسی عنوان ناصبی را به همه مخالفان شیعه اثنی عشری (دیگر مسلمانان اعم از اهل سنت و دیگر فرقه شیعه) تعمیم داده است. به نظر وی «ناصبی در عرف روایات شامل مخالفین متعصب در مذهبشان می شود، بنابراین همگی به استثنای مستضعفان ناصبی محسوب می شوند.» (۲۵)

بحرانی نیز پیروان غیرمستضعف کلیه مذاهب و فرقه غیرشیعه اثنی عشری را در حکم ناصبی و در نتیجه نجس و کافر دانسته است. به نظر این فقیه اخباری همین که فردی علیرغم شهادتین دیگر خلفا را بر امیرالمؤمنین مقدم دانسته باشد یا به امامت یکی از ائمه قائل نباشد جحد و در نتیجه ناصبی بودن محقق شده است. بحرانی حکم مضیق مذکور را بر شیعیان زیدیه، واقفیه و فطحیه و مانند آنها هم جاری دانسته است. (۲۶) این باور شدیداً انحصارگرایانه اخباریون از جانب اصولی ها مورد نقد بنیادی قرار گرفته است. واضح است که نظر اخباریون که تکفیریون شیعه بوده اند، به هیچ وجه قابل توجیه نیست و نمی توان آن را به پای همه شیعیان گذاشت.

نکته چهارم. تکفیر ناصبی‌ها قول مشهور شیعیان اصولی

مشهور شیعیان اصولی تنها ناصبی ها، خوارج و غلات را تکفیر کرده اند. به نظر آنها کسانی که بر خلاف نص مسلم نبوی مبنی بر لزوم حبّ اهل بیت و حرمت بغض آنها، عداوت و بغض اهل بیت را پیشه خود کرده اند، از

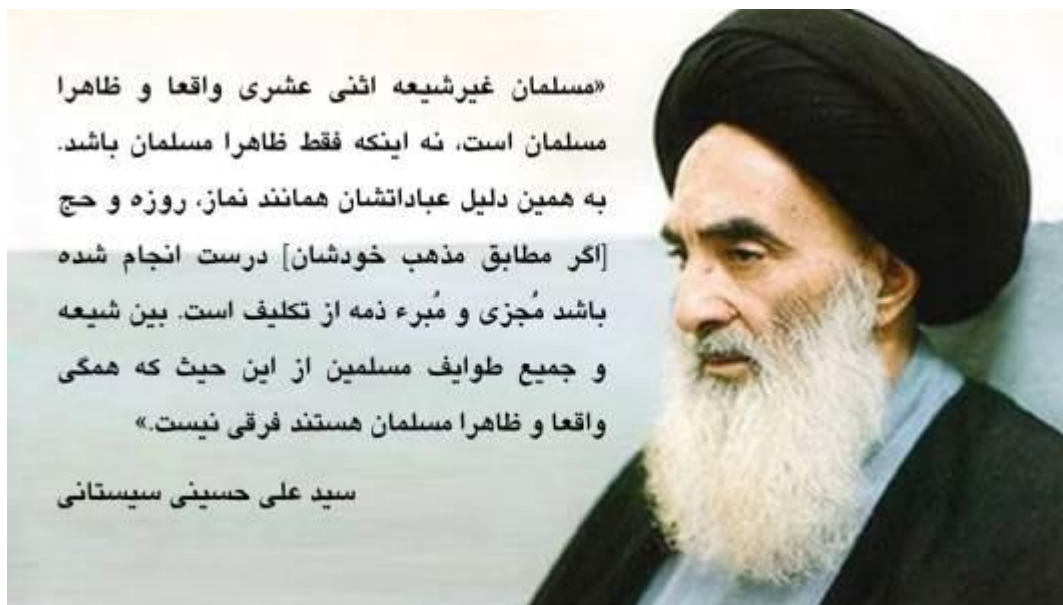
اسلام خارج و جان و مال و آبرویشان فاقد احترام است. ناصبی‌ها (اهل عداوت و بغض و اهانت به اهل بیت) اقلیتی بسیار محدود و معدود در میان اهل سنت بوده‌اند. شیعیان اصولی تصریح کرده‌اند که حساب مسلمانان اهل سنت از ناصبی‌ها جداست؛ اصولیان برخلاف اخباری‌ها، ناصبیان و اهل سنت را یکی نمی‌دانند و این معادله (یکی دانستن ناصبی و اهل سنت) را کاملاً مردود می‌شمارند. از منظر شیعه اصولی عدم اعتقاد به ولایت ائمه اهل بیت و انکار امامت شیعی کسی را ناصبی نمی‌کند، بلکه اظهار بغض و اعمال عداوت و بالاتر از آن آغاز محاربه با اهل بیت فرد را به صفت ناصبی متصف می‌کند. (۲۷)

سؤال: آیا نظر مشهور شیعه درباره تکفیر ناصبی‌ها، خوارج و غلات قابل دفاع است؟ پاسخ نگارنده منفی است! در وجوب حبّ اهل بیت پیامبر و حرمت بغض ایشان در کلیه مذاهب اهل سنت تردیدی نیست، اما اینکه فردی به صرف خطای فاحش بغض و عداوت با اهل بیت مهدورالدم، مهدور المال و مهدور العرض شود قابل مناقشه جدی است. (۲۸) باور باطل هرچه باشد (حتی کفر و شرک) فرد را در دنیا از حقوق انسانی محروم نمی‌کند. ناصبی اگر مرتد و سبّ هم محسوب شود جان و مال و عرضش محترم است. نقد تفصیلی ادله مجازات ارتداد و سبّ را در جای دیگر به تفصیل آورده‌ام. (۲۹)

نکته پنجم. رای اتفاقی شیعیان اصولی: عدم جواز تکفیر دیگر مسلمانان

شیعیان اصولی در عدم جواز تکفیر دیگر مسلمانان (به استثنای نواصب) اتفاق نظر دارند. یعنی هیچ شیعه اصولی یافت نمی‌شود که قائل به کفر مسلمانان اهل سنت یا دیگر فرقه‌های شیعی باشد به نحوی که جان و مال آنها را محترم نشمارد، بلکه بر عکس احکام اسلامی از قبیل طهارت، حلال بودن ذبیحه، جواز ازدواج، جواز ارتد، جواز دفن در قبرستان مسلمین و مانند آن در مورد تمامی این فرق و مذاهب بدون استثنا جاری است. از منظر شیعه اصولی باور به ولایت ائمه اهل بیت یا خلافت بلافصل علی بن ابی طالب اگرچه از مسلمات اسلامی و ضروریات تشیع و مقومات مؤمن بودن است، اما این امر از ضروریات اسلام نیست و در حکم مسائل نظری اعتقادی محسوب

می شود، و در نتیجه انکار آن به انکار رسالت منجر نمی شود تا به کفر بیانجامد. مسلمانی دو شرط بیشتر ندارد: شهادت به وحدانیت خداوند و شهادت به رسالت محمد بن عبدالله (ص). اگر فردی این دو شهادت را آگاهانه و با اختیار بر زبان رانده باشد مسلمان است. به عبارت دیگر باورهای شیعی هیچ دخلی در اصل اسلام ندارد. آنها شرط ایمان مختص شیعیان هستند نه شرط عام مسلمانی. (۳۰) واضح است که تکفیر مسلمان فعلی حرام است.



نکته ششم. دیگر مسلمانان از منظر شیعیان اصولی ظاهرا و واقعا مسلمان هستند

آیا دیگر مسلمانان (مذاهب مختلف اهل سنت و دیگر فرق شیعه، به استثنای نواصب) از نظر شیعیان اثنی عشری اصولی ظاهرا و واقعا مسلمانند یا تنها ظاهرا مسلمانند؟ تعبیر اسلام واقعی غیر از اسلام باطنی است. اسلام باطنی معادل ایمان اخروی از منظر خاص شیعی است. مراد از اسلام واقعی یعنی علاوه بر اسلام حکمی و ظاهری آنها واقعا مسلمان هستند بدون هیچ فرقی با مسلمانان شیعه اثنی عشری. ظاهرا این بحثی متأخر است.

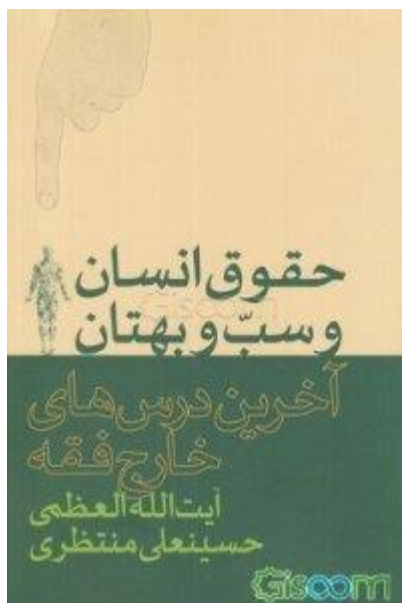
شیعیان اصولی از این حیث به دو دسته تقسیم می شوند. دسته اول دیگر مسلمانان (غیر شیعه اثنی عشری) را مسلمان ظاهری در دنیا و کافر واقعی در آخرت می دانند. آقای سیدابوالقاسم خوئی (۱۳۷۳-۱۲۷۸ش) از جمله

مشهورترین قائلین این قول است. به نظر وی دیگر مسلمانان محکوم به اسلام ظاهری هستند (طهارت، محترم بودن جان و مال، ارث بردن، ازدواج، حلیت ذبیحه و دیگر احکام شرعی) می توان آنها را مسلمان در دنیا و کافر در آخرت دانست. (۳۱)

این دیدگاه مورد نقد عمیق شاگردان ایشان واقع شده است. آنها قائل به اسلام واقعی و ظاهری دیگر مسلمانان هستند نه فقط اسلام ظاهری آنها. آقای شیخ حسین وحید خراسانی (متولد ۱۲۹۹ش) مرجع سنتی حوزه علمیه قم در کتاب «التکفیر فی ضوء الفقه الشیعی» نفی اسلام واقعی دیگر مسلمانان را نادرست دانسته و تک تک ادله سید خوبی را ناظر به ایمان (شیعی) دانسته نه اسلام که با باور قلبی به شهادتین واقعا و ظاهرا فرد مسلمان است. (۳۲) دیگر فقیهی که به اسلام واقعی و ظاهری دیگر مسلمانان تصریح دارد آقای سیدعلی سیستانی (متولد ۱۳۰۹ش) مرجع اعلاى شیعه مقیم حوزه علمیه نجف است.

بعد از انتشار اظهارات آقای حیدری یکی از شهروندان عراقی از آقای سیستانی عین ادعای وی را به عنوان استفتاء مطرح و صحت آن را جويا شد. آقای سیستانی در پاسخ مرقوم داشت: «مسلمان غیرشیعه اثنی عشری واقعا و ظاهرا مسلمان است، نه اینکه فقط ظاهرا مسلمان باشد. به همین دلیل عباداتشان همانند نماز، روزه، و حج [اگر مطابق مذهب خودشان] درست انجام شده باشد مجزی و مبرء ذمه از تکلیف است. بین شیعه و جمیع طوایف مسلمین از این حیث که همگی واقعا و ظاهرا مسلمان هستند فرقی نیست.» (۳۳)

به دلیل اهمیت، ترجمه «بحث استدلالی» شهید سیدمحمدباقر صدر (۱۳۱۳-۱۳۵۹ش) درباره اسلام دیگر مسلمانان از منظر شیعه اصولی به عنوان خاتمه این بحث در انتهای مقاله می آورم. می توان گفت بر خلاف نظر آقای حیدری، جمع قابل توجهی از فقهای شیعه معاصر قائل به اسلام واقعی و ظاهری دیگر مسلمانان هستند. به عبارت دیگر قول به اسلام ظاهری و کفر واقعی دیگر مسلمانان مسلما «نظر مشهور شیعه» نیست.



نکته هفتم. کلیه احکام اسلام بر همه مسلمانان از باب حکم اولی بدون تبعیض مذهبی جاری است

با اینکه شیعیان اصولی در عدم تکفیر دیگر مسلمانان، محقون الدم بودن جان و مالشان و جاری بودن دیگر احکام اسلام درباره آنها اتفاق نظر دارند، اما در دو ناحیه اختلاف نظر وجود دارد، یکی درباره محقون العرض بودن (لزوم حفظ آبرو و کرامت) دیگر مسلمانان و دیگر لزوم اخوت با ایشان. قول اول وجوب حفظ آبرو و کرامت از یک سو و فریضه اخوت اسلامی را از سوی دیگر را منحصر به شیعیان اثنی عشری می داند، لذا ادله حرمت غیبت، هجو و لعن را مختص به مؤمنان (شیعیان اثنی عشری) دانسته، ادعا کرده اند تعمیم دادن آن به دیگر مسلمانان فاقد دلیل است! (۳۴)

قول دوم. فریضه اخوت اسلامی را منحصر به شیعیان اثنی عشری نمی داند و دربرگیرنده همه مسلمانان و مشخصاً مسلمانان اهل سنت و جماعت می شناسد. به علاوه محرمانی از قبیل غیبت، هجو، لعن، بهتان، و سب را منحصر به شیعیان اثنی عشری و حتی مسلمانان ندانسته بلکه قبح و حرمت آنها را در مورد هر انسانی جاری می داند. این آخرین درس مرحوم استاد حسین علی منتظری نجفآبادی (۱۳۰۱-۱۳۸۸ش) در مکاسب محرمه در

بحث «سبّ المؤمن» بود (۳۵) که با رحلت ایشان به پایان نرسید، اما این مبنای متین در فقه امامیه توسط ایشان گذاشته شد و توسط شاگردان ایشان پیگیری شده است. نگارنده این سطور قول دوم را متین و جاری دانسته، قول اول را مخالف محکّمات قرآن، سنت معتبر نبوی و سیره مطمئنّه اهل بیت و معارض موازین اخلاقی و شرعی اسلام و در نتیجه باطل می داند. تفصیل بحث را در جای دیگر آورده ام. (۳۶)



خاتمه: بحث استدلالی شهید سید محمدباقر صدر درباره اسلام غیرشیعیان

همان گونه که در انتهای نکته ششم وعده دادم برای آشنایی خوانندگان با زوایای فنی و ادله اسلام غیرشیعیان در فقه شیعه ارجحه تعلیقات استدلالی شهید سیدمحمدباقر صدر بر کتاب العروه الوثقی را نقل می کنم. خوانندگانی که مایل به دنبال کردن جزئیات استدلالی بحث نیستند می توانند از مطالعه این قسمت صرف نظر کرده جمع بندی مقاله را مطالعه کنند.

«مدافعان کفر دیگر مسلمانان به سه دلیل ممکن است تمسک کنند:

دلیل اول. آنها منکر ضروری اسلام هستند، و منکر ضروری کافر است.

نقد آن: اولاً منکر ضروری لزوماً کافر نیست! ثانیاً مراد از انکار ضروری توسط دیگر مسلمانان اگر امامت اهل بیت باشد آشکار است که این قضیه در وضوح به درجه ضروری بودن نرسیده است. حتی اگر بپذیریم که در زمان حدوث به چنان درجه ای از وضوح رسیده باشد، تردیدی نیست که در استمرار زمان به چنان وضوحی باقی نمانده است و عوامل غموض آن را فرا گرفته است.

و اگر مراد [از انکار ضروری توسط دیگر مسلمانان] تدبیر پیامبر و حکمت شریعت در تعیین قائد [و جانشین] باشد به شکلی که تعیین قائد [توسط خود مسلمانان] معادل عدم تدبیر پیامبر و عدم حکمت شریعت باشد، چنین معادله ای [و برقراری چنین تلازمی] مبتنی بر فهمی عمیق تر در آن موقعیت است. تحمیل انکار این ضروری بر مخالف [دیگر مسلمانان] پذیرفته نیست، چرا که به چنین معادله ای [تلازم بین تعیین جانشین با عدم تدبیر پیامبر] التفات نداشته اند یا به آن مؤمن نبوده اند [آن را از لوازم ایمان نمی دانسته اند].

دلیل دوم. روایاتی که در آنها بر مخالف [دیگر مسلمانان] عنوان کافر تطبیق شده است (وسائل الشیعه، باب

۱۰ از ابواب حدّ مرتد)

نقد: مراد از کفر در این روایات مقابل اسلام نیست، سیاق آنها سیاق روایاتی است که در آنها عنوان کفر بر مخالفت با امام (ع) تطبیق شده است، از قبیل روایت مفضل از امام کاظم (ع): «ومن عصاه فقد کفر (هر که از [فرمان] او سرپیچی کند کافر شده است). واضح است که معصیت (سرپیچی) موجب کفر مقابل اسلام نمی شود. این حمل چند مؤید دارد:

اولاً ادله ای که ضابط اسلام را [منحصر در] تصدیق خدا و رسول می داند در مخالف (مسلمانان غیر شیعه) محفوظ است. اگر اشکال شود که روایات مذکور [در حد مرتد] مقید دلیل ضابط یا حاکم بر آن هستند؛ در پاسخ گفته می شود: چنین امری ممتنع است، زیرا از قبیل تخصیص اکثر می شود که عرفاً مستهجن است. ...

ثانیا ارتکاز و سیره، تقریب اول: سیره و بنای عملی [در زمان ائمه] بر این منعقد بوده که با مخالفان [دیگر مسلمانان] به مثابه مسلمان رفتار می شده و این کاشف از اسلام آنهاست. تقریب دوم: شیعیان اهل بیت با دیگر مسلمانان زندگی می کردند، لذا به اطلاع از حکم مسئله از این ناحیه احتیاج مبرم داشتند و کافر فرض کردن دیگر مسلمانان باعث حرَج شدید شیعیان می شد، با توجه به این نکات حکم مخالفان [دیگر مسلمانان] از این ناحیه امری واضح و مرتکز در اذهان شیعیان بود [و دلیل بر چنین امری از ایشان در دست نیست]. به دلیل طبیعت مسئله و اهمیت آن هر یک از دو تقریب مذکور در ذهن متشرعه عام مرکوز بوده باشد قضیه حکم به اسلام مخالفان تمام است.

حتی اگر قطع پیدا نکنیم که مرکوز در ذهن [متشرعه] اسلام مخالفان [دیگر مسلمانان] و طهارت ایشان بوده، حداقل احتمال قابل اعتنایی مطرح می شود و همین موجب قرینه متصل و در نتیجه باعث اجمال روایات مذکور می شود، زیرا ارتکاز از قبیل قرائن متصله است و در اصول اثبات کردیم که احتمال قرینه متصله قابل اعتنا موجب اجمال می شود.

دلیل سوم. روایاتی که براین دلالت دارد که مخالفان [دیگر مسلمانان] مطلقا ناصبی هستند. مفاد این دلالت چه تعبد و تنزیل مخالف به جای ناصبی از طریق حکومت باشد؛ و چه شرح کلمه ناصب بوده باشد، و اینکه مراد [ائمه] از کلمه ناصبی مطلق مخالف [دیگر مسلمانان] باشد؛ در هر صورت ثابت می شود که حکم ناصبی بر مخالف [دیگر مسلمانان] جاری می شود. وقتی کفر ناصبی و نجاست او ثابت شد، [این دو امر] در مطلق مخالف [دیگر مسلمانان] ثابت می شود.

نقد: ... تحقیق در رد این روایات - اضافه بر ضعف سند تمام یا اکثرشان - آن چیزی است که در مناقشه

روایات سابق [دلیل دوم] گذشت [کفر در این روایات کفر مقابل اسلام نیست]. «(۳۷)



جمع بندی

این مختصر مقدمه ای بر بحث تکفیر و تشیع بود که امیدوارم در مجالی دیگر فرصت تکمیل آن را بیابم. چکیده نتایج بحث (منهای مقدمه) به شرح زیر است:

اول. شیعیانی که دیگر مسلمانان را در آخرت کافر دانسته و فلاح اخروی را منحصر به مذهب خود می دانند، از این نظر تفاوتی با رویکرد انحصارگرایی رایج - نظریه قاطبه پیروان ادیان ابراهیمی (از جمله مسلمانان اهل سنت) و حتی غیرابراهیمی - ندارد. به عبارت دیگر این رویکرد انحصارگرایانه اختصاصی به برخی شیعیان ندارد. انحصارگرایی البته نزد نگارنده رویکردی قابل مناقشه است.

دوم. محل نزاع، تکفیرمصطلح، فقهی، دنیوی، یا ظاهری (یا نسبت ارتداد، زندقه و توهین به مقدسات) است که پیامدهای تلخی مانند سلب حقوق حیات، مالکیت و کرامت انسانی دارد. تکفیر باطنی، اخروی یا کلامی که اهل عذاب دانستن پیروان دیگر ادیان و مذاهب در آخرت است از محل نزاع بیرون است. دخالت فقه که علم به

«احکام ظاهری» است در حکم به «کفر باطنی» مطلقا موجه نیست. از کفر باطنی و کلامی تکفیر مصطلح (یا کفر ظاهری، دنیوی و فقهی) استنتاج کردن مغالطه سهمگینی است.

سوم. اخباریون شیعه حقیقتا تکفیری بوده اند. آنها به ادعای تواتر احادیث، دیگر مسلمانان غیرمستضعف (پیروان کلیه مذاهب اهل سنت و کلیه فرق شیعه به استثنای شیعه اثنی عشری) را ناصبی، نجس و کافر دنیوی می دانسته اند. این تفکر با مجاهدت علمی اصولیون منقرض شده است، در این زمان تنها بارقه های ضعیف و پراکنده ای از باورهای آنان مشاهده می شود.

چهارم. قول مشهور شیعیان اصولی تکفیر ناصبی ها، خوارج و غلات است، که نتیجه آن مهدورالدم بودن آنهاست. از منظر شیعه اصولی شیعه اثنی عشری نبودن، عدم اعتقاد به ولایت ائمه اهل بیت و انکار امامت شیعی کسی را ناصبی نمی کند. به نظر نگارنده حتی اگر فردی به صرف خطای فاحش مرتکب بغض و عداوت با اهل بیت یا قائل به هر اعتقاد باطل دیگری شود مهدورالدم، مهدور المال و مهدور العرض نمی شود.

پنجم. شیعیان اصولی در عدم جواز تکفیر دیگر مسلمانان (به استثنای نواصب) اتفاق نظر دارند. یعنی هیچ شیعه اصولی یافت نمی شود که قائل به کفر مسلمانان اهل سنت یا دیگر فرقه های شیعی باشد به نحوی که جان و مال آنها را محترم نشمارد. اعتقادات خاص شیعی از ضروریات اسلام نیست و در حکم مسائل نظری اعتقادی محسوب می شود، و در نتیجه انکار آن به انکار رسالت منجر نمی شود تا به کفر بیانجامد. مسلمانی در حدوث و بقا جز شهادتین (به توحید و نبوت) شرطی ندارد.

ششم. دیگر مسلمانان (مذاهب مختلف اهل سنت و دیگر فرق شیعه، به استثنای نواصب) از نظر شیعیان اثنی عشری اصولی «ظاهرا و واقعا» مسلمانند. بر خلاف نظر آقای حیدری، قول به اسلام ظاهری و کفر واقعی دیگر مسلمانان «نظر مشهور شیعه» نیست، بلکه قول سید خویی است. جمع قابل توجهی از فقهای شیعه معاصر قائل

به اسلام واقعی و ظاهری دیگر مسلمانان هستند از جمله آقایان وحید خراسانی و سیستانی در زمان حاضر. مرجع اخیر نظر خود را مشخصا در پاسخ به استفتایی درباره رای سید حیدری صادر کرده است.

هفتم. کلیه احکام اسلام بر همه مسلمانان از باب حکم اولی بدون تبعیض مذهبی جاری است. فریضه اخوت اسلامی و محرماتی از قبیل غیبت، هجو، لعن، بهتان، و سب اختصاصی به شیعیان اثنی عشری ندارد و کلیه مسلمانان از جمله تمامی مذاهب اهل سنت و دیگر فرق شیعه را در برمی گیرد، بلکه حرمت ارتکاب محرمات مذکور در مورد هر انسانی ولو غیرمسلمان جاری است. از جمله فقهای قائل به این رویکرد مترقی مرحوم استاد منتظری است.

به همین مقدار اکتفا کرده، از انتقادات اهل نظر استقبال می کنم.

در خاتمه امیدوارم عالم محترم جناب آقای سیدکمال حیدری آراء استدلالی خود پیرامون محورهای هفت گانه و سایر امور مربوط به این بحث را کتبا منتشر کند تا بتوان دقیق تر و تفصیلی تر به تضارب آراء و گفتگوی علمی پرداخت. والحمدلله رب العالمین.

پاورقی‌ها:

* پیش نویس این مقاله را دکتر محمود صدری قبل از انتشار مطالعه و مرا از تذکرات سودمند خود بهره مند کرده است. از ایشان سپاسگزارم.

۱. الموقع الرسمي لسماحة المرجع الديني السيد كمال الحيدري، حوار الدين والعلمانية مع سماحة المرجع الديني السيد كمال الحيدري، الحلقة الخامسة (برنامج المراجعة، قناة العراقية الفضائية)، تاريخ النشر ۲۰۲۰/۱۰/۱۸.

۲. به عنوان نمونه: العرعور يريد التفاهم مع السيد الحيدري. عدنان بن محمد العرعور (متولد ۱۹۴۸) مبلغ مشهور سلفی مقیم ریاض در قنایه وصال الفضائية، لینک شبکه یوتیوب: <https://www.youtube.com/watch?v=IVqqG0Ds2-M>. از مفاد این برنامه (۴ اکتبر ۲۰۱۶) - که بعد از مصاحبه اخیر سید حیدری در فضای مجازی به شکل وسیعی منتشر شد - واضح می شود که این نخستین باری نیست که آقای حیدری ادعای تکفیری بودن تشیع را مطرح کرده است!

۳. «مدتی است فردی به نام سیدکمال حیدری که یکی از منتسبان حوزه‌های علمیه است؛ هر از گاهی در باره محکمت اسلام و تشیع سخنانی ناروا مطرح می‌کند... وی انضباط و استقامت لازم را در تحصیل نداشته، فراگیری از استادان را به حد کفایت نرسانده است. نقش آفرینی‌های وی در یکی از برنامه‌های سیمای کوثر نیز به لحاظ توانایی علمی خود وی نبوده بلکه به واسطه اطلاعات و استناداتی بوده که گروهی متخصص در اختیار وی قرار می‌داده‌اند و او تنها آن را اجرا می‌کرده است... او اکنون خود را به غاری انباشته از شبهات تبدیل کرده... راهی را که این شخص پیش گرفته سرانجامی جز انحراف و گمراهی نیست.» پایگاه اطلاع رسانی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (تاریخ مراجعه ۷ آبان ۱۳۹۹).

۴. در این کتاب الکترونیکی در این باره بحث کرده ام: اسنادی از شکسته شدن ناموس انقلاب: نگاهی به سال‌های پایانی زندگی آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری، مجموعه‌ی مواجهه‌ی جمهوری اسلامی با علمای منتقد، دفتر اول، ویرایش دوم: ۱۳۹۴.

۵. بنگرید به یادداشت «صانعی مرجع اطلاع طلبی خط امام»، به همین قلم، ۲۳ شهریور ۱۳۹۹، وبسایت نویسنده.

۶. دیگر اقدامات جامعه مدرسین و شخص محمد یزدی را درباره مراجع و علما در جای دیگر تشریح کرده ام: پرده هفتم حاکمیت برای مرجعیت مستقل: مروری بر نقش نیابتی محمد یزدی در سرکوب استقلال حوزه علمیه قم، ۶ آبان ۱۳۹۷، وبسایت نویسنده.

۷. علی اشرف فتحی، مارتین لوتر شیعه؟ آیت‌الله سید کمال حیدری چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟ قم: تقریرات، شماره ۴ و ۵، مباحثات، ۱۸ دی ۱۳۹۵.

۸. از جمله شرح دیدار وی با مقام رهبری به قلم عباس کعبی: ویژه نامه سفر رهبر انقلاب به استان قم در سال ۱۳۸۹، بعد از ظهرهای حسینیه امام خمینی قم: گعده های طلبگی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۲۰ دی ۱۳۸۹. (تاریخ مراجعه ۷ آبان ۱۳۹۹)

۹. برای مطالعه بیشتر بنگرید به سلمان عبدالاعلی السعودیة، ولایة الفقیه والمرجعیة الدینیة فی فکر السید کمال الحیدری، *قراءات فی المنظومة المعرفیة للسید کمال الحیدری، بمشاركة نخبة من الباحثین، ج ۱، ص ۲۸۵ - ۳۳۴ (الکاظمیة: مؤسسة الامام الجواد للفکر والثقافة، ۲۰۱۸)*

۱۰. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به الموقع الرسمي لسماحة المرجع الديني السيد كمال الحيدري، اسباب وضع الحديث عند الشيعة، ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶.

۱۱. بنگرید به پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت‌الله العظمی سید کمال حیدری دام ظلّه، اصلاحات دینی را چگونه شروع کنیم؟ تاریخ ۲۰۱۶/۰۲/۰۸.

۱۲. پیشین، رویکرد غالب حوزه های علمیه ما اصولی است یا اخباری؟! تاریخ ۲۰۱۷/۰۴/۰۵.

۱۳. پیشین، چکیده مدعای جواز تعبد به ادیان و مذاهب الهی و بشری، ۱۳۹۸/۱۱/۱۷.

۱۴. پیشین، نظریه مشروعیت تعدد قرائت ها از دین، ۲۰۱۹/۰۲/۱۴.

۱۵. طلال حسن، من محورية اسلام الحديث الى محورية اسلام القرآن: ملخص المشروع الاصلاحى للسيد كمال الحيدري، البصرة: مؤسسة الابداع الفكرى للدراسات التخصصية، بی تا.

۱۶. الموقع الرسمى لسماحة المرجع الدينى السيد كمال الحيدري، دروس فقه المرأة، ۲۰۱۷.

17. Exclusivist. For more information: Mahmoud Sadri, "From Irony to Inclusion: Early models of Interfaith Dialogue" in: Inter-religious Insight, January 2006.

18. Pew Research Center. August 9, 2012. The World's Muslims: Unity and Diversity. <https://www.pewforum.org/2012/08/09/the-worlds-muslims-unity-and-diversity-executive-summary/>

مطابق نظرسنجی فوق در مصر ۵۳٪، در مراکش ۵۰٪، در اردن ۴۳٪، در تونس ۴۱٪، و در فلسطین ۴۰٪ مردم این کشورها شیعیان را مسلمان نمی دانند! در حالی که این نسبت در لبنان ۴۱٪ و در عراق ۱۴٪ است.

۱۹. موسوعة الامام شرف الدين، المجلد الثالث، الفصول المهمة، فصل ۹. آنها که به کفر شیعیان فتوا دادند و تفصیل استدلالهای ایشان، ص ۱۵۹-۱۸۲: «شیعیان کافر و باغیان فاجری هستند که بین انواع کفر، بغی، عناد، و انواع فسق، زندقه و الحاد جمع کرده اند. هر که در کفر و الحاد و وجوب قتال و جواز قتلشان توقف کند مانند آنها کافر است!»

۲۰. «۱. دین اسلام بر احدی از پیروانش متابعت از مذهب خاصی را لازم نمی شمرد، بلکه ما می گوئیم: برای هر فرد مؤمن چنین حقی است که بتواند در ابتدای امر از هر یک از مذاهبی که صحیحاً نقل شده و در کتابهای مخصوص احکام آن مذهب نوشته شده است پیروی کند و همچنین کسی که از یک مذهب از این مذاهب پیروی می کرده می تواند عدول به مذهب دیگر بنماید، هر مذهبی باشد، و در این عمل باکی بر او نیست. ۲. مذهب جعفری معروف به مذهب امامی اثناعشری، مذهبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مذاهب اهل سنت جایز است؛ و سزاوار است مسلمانان این مطلب را بدانند و از عصبیت و طرفداری های بیجا و بدون حق و حمایت از مذهب معینی خودداری کنند. دین خدا و شریعت او تابع مذهبی نیست یا منحصر در مذهبی نیست. هر کس به مقام اجتهاد فائز گردد عنوان مجتهد بر او بار، و در نزد خدای تعالی عملش مقبول خواهد بود. و جایز است برای کسی که اهلیت نظر و اجتهاد را ندارد از ایشان تقلید کند و به آنچه در فقه شان مقرر داشته اند عمل بنماید، و در این مسئله بین عبادات و معاملات تفاوتی نیست.»

۲۱. بنگرید به مؤلفات الشیخ الإمام محمد بن عبد الوهاب، المجلد الاول: العقيدة والاداب الاسلامية (تصحیح عبدالعزیز زید الرومی، محمد بلتاجی و سید حجاب، بی تا و بی جا) در رساله های زیر: ۱- کتاب التوحید، ۲- کشف الشبهات، ۴- القواعد الاربع، ۶-

اصول الایمان، ۷- مفید المستفید فی کفر تارک التوحید، ۸- مجموعه رسائل فی التوحید، ۹- کتاب الكبائر؛ جلد پانزدهم، قسم چهارم آن: اموری که باعث کفر و وجوب قتال با مرتکب می شود؛ جلد بیست و چهارم مجموعه (ج ۱۳ ق ۴): رساله فی الرد علی الروافض. و نیز بنگرید به الامین، السید محسن: *کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب* (قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، ۲۰۰۷).

22. Inclusivism

۲۳. [آیا سعادت اخروی و همزیستی دنیوی مشروط به دین و مذهب خاصی است؟](#) و سایت نویسنده ۹ آذر ۱۳۹۴؛ [پلورالیزم دینی](#): مناظره

عبدالکریم سروش و محسن کدیور، تهران، انتشارات روزنامه سلام، ۱۳۷۸.

۲۴. به عنوان نمونه این مغالطه در مقاله زیر اتفاق افتاده است: «تکفیر در اندیشه کلامی و فقهی شیعی» حسن یوسفی اشکوری، (زیتون، ۸ آبان ۱۳۹۹). امیدوارم دوست محترم این خطا را تصحیح کند.

۲۵. ملا محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۱، ص ۳۲۳ (بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳).

۲۶. شیخ یوسف بحرانی، *الحدائق الناضرة فی احکام العتره الطاهره*، ج ۵، ص ۱۷۴-۱۹۰. (قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق)

۲۷. سید محمد کاظم یزدی در *العروة الوثقی*: تردیدی در نجاست غلات، خوارج و نواصب نیست. ... شیعیان غیر اثنی عشری اگر ناصبی و اهل عداوت و سبّ به ائمه نباشند طاهرند، اما با عداوت و سبّ مانند دیگر نواصب هستند. (السید محمد کاظم الطباطبائی البزیدی، *العروة الوثقی* مع تعلیقات عدة من الفقهاء العظام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۱ق، ج ۱ ص ۱۴۱-۱۴۰). برای آشنایی با مشروح استدلال کفر نواصب بنگرید به شیخ حسین وحید خراسانی، *التکفیر فی ضوء الفقه الشیعی*، به قلم محمدرضا انصاری، ط ۲، نجف: منشورات دارالمهذب، ۲۰۱۸، فصل اول، ص ۱۶-۵۲.

۲۸. به نظر مرحوم استاد منتظری «اساساً حکم مرتد و یا حکم ناصبی حکمی سیاسی و ولایی بوده و در زمانها و مکانها و شرایط مختلف، مسائل و شرایط خاص آن زمان مکان در نظر گرفته می شده است. مثلاً در نامه حضرت رضا (ع) به مامون آمده است: جایز نیست کشتن هیچیک از ناصبی ها یا کفار در مکانی که تقیه در آن لازم است مگر کسی که قاتل یا کوشش کننده در فساد باشد.» (اسلام دین فطرت، زیر نظر فقیه و مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری، تهران: سایه، ۱۳۸۵، ص ۶۹۴-۶۹۵)

۲۹. *مجازات ارتداد و آزادی مذهب*: نقد مجازات ارتداد و سبّ النبی با موازین فقه استدلالی. مجموعه اسلام و حقوق بشر، دفتر دوم. کتاب الکترونیکی، ۱۳۹۳. ویرایش دوم این کتاب توسط نشر اندیشه های نو در اِسن آلمان در دست انتشار است. ترجمه انگلیسی ویرایش دوم آن در بهمن ماه امسال توسط دانشگاه ادینبورگ در انگلستان و ترجمه عربی آن در بهار سال آینده توسط مرکز العربي للأبحاث ودراسة السياسات در دوحه قطر از چاپ خارج می شود.

۳۰. برای آشنایی با ادله اسلام دیگر مسلمانان از منظر شیعیان اصولی بنگرید به وحید خراسانی، *التکفیر فی ضوء الفقه الشیعی*، فصول دوم تا ششم، ص ۵۳-۱۶۴.

۳۱. سید ابوالقاسم خوئی، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، به قلم میرزا علی الغروی، قم: مؤسسه الخویی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۸۷-۸۳.

۳۲. وحید خراسانی، *التکفیر فی ضوء الفقه الشیعی*، فصل نهم، ص ۱۸۷-۲۰۶.

۳۳. پاسخ آقای سیستانی به استفتای عبدالعزیز غلوم که توسط سید منیر خباز نماینده ایشان در شبکه عراقی الاخباریه قرائت شد. خبرگزاری رسمی حوزه، ۳۰ مهر ۱۳۹۹. ذکر السید منیر الخباز بأنّه استلم فتوی المرجع الدینی الأعلى السید السیستانی الیوم والتي تعبر عن رأی سابق له بما نصه: "بأن المسلم غیر الإثنی عشری مسلّم واقعاً وظاهراً لا ظاهراً فقط، ولذلك فإن عبادته کصلاته وصوره وحجه تكون مجزیة ومیرثة لدمته، من التکلیف بها إذا كانت مستوفیة الشروط". وأضاف السید الخباز بأن "لا فرق بین الشیعة وجميع طوائف المسلمین فی أن الجميع مسلمون واقعاً وظاهراً، وهذا الرأی لا یخص السیستانی دام ظلّه بل سبقه أستاذہ [السید حسین] البروجردی وهو مرجع الشیعة فی زمانه، وأستاذہ [السید محمد] الحجة الکوه کمری من مراجع قم ومشاهیرها وتعرض له عبقری زمانه الشهید السید محمد باقر الصدر قدس سره فی شرح العروة، والشیخ المصلح محمد حسین کاشف الغطاء". ثم علق السید منیر بأن "القول بأن لا یوجد عالم شیعی إثنی عشری إلا ویحکم بکفر المسلمین جمیعاً قول مجانب للحقیقة".

۳۴. بر مبنای این قول غیرشیعیان محترم نیستند و تنها آن دسته از احکام اسلام بر ایشان جاری می شود که نظم معاش مؤمنین متوقف بر آن احکام است (از قبیل طهارت، حلیت ذبیحه، ازدواج و حرمت جان). به عبارت دیگر احکام مذکور از باب «حکم ثانوی» در شرایطی که حیات اجتماعی شیعیان اثنی عشری در خطر اختلال قرار می گیرد بر دیگر مسلمانان جاری می شود، اما احکامی از قبیل حرمت غیبت، هجو و لعن در مورد غیرشیعیان اثنی عشری که به نظر مفتیان چنین مشکلی ندارند جاری نیست. بر همین منوال اخوت دینی مختص به مسلمان به معنی اخص است یعنی مؤمن به ولایت امیرالمؤمنین و اولاد معصوم ایشان و شامل مسلمان به معنی اعم که شامل همه فرق اسلامی باشد نمی شود. از جمله قائلین این قول در بحث غیبت شیخ محمد حسن نجفی در *جواهر الکلام* (بیروت: دار التراث العربی، ۱۹۸۱، ج ۲۲، ص ۶۲)، شیخ مرتضی انصاری در *المکاسب* (قم: مؤتمر الشیخ الانصاری، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۳۱۹)، سید ابوالقاسم خوئی در *مصباح الفقاهة فی المعاملات* (به قلم شیخ محمد علی توحیدی تبریزی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۲۰۰۹، ج ۱، ص ۴۹۶-۴۹۹)، و از معاصرین شیخ حسین وحید خراسانی در *التکفیر فی ضوء الفقه الشیعی* (فصول ۷، و ۱۰ تا ۱۲، ص ۱۶۵-۱۷۶ و ۲۰۷-۲۰۸) هستند.

۳۵. حقوق انسان و سب و بهتان، آخرین درسهای خارج فقه حضرت آیت الله العظمی منتظری، تهران: سرابی، ۱۳۹۸.

۳۶. در کتاب زیر این بحث را به تفصیل آورده ام: *تهمت در حکومت اسلامی*. از این تحقیق چهار قسمت آن در وبسایت نویسنده منتشر شده است: *تهمت در حکومت اسلامی* (بهمن و اسفند ۱۳۹۷) چهار بخش باقیمانده کتاب نیز در فرصتهای آتی منتشر خواهد شد. بحث مورد نظر آخرین بخش کتاب است.

۳۷. سید محمد باقر صدر، *بحوث فی شرح العروة الوثقی*، کتاب الطهارة، ج ۳، ص ۳۹۶-۳۹۹. [قم]: مرکز الابحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ۱۴۲۱ق)

۱۲ آبان ۱۳۹۹



kadivar.com

<https://kadivar.com/18267/>
kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.
 نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.